

بخشی از پلتفرم و سینما چطور به یک کسب‌وکار خانوادگی تبدیل شد؟

نابازیگران آشنا



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

اگر مخاطب سرپال‌های شبکه نمایش خانگی، فیلم‌های سینمایی یا آثار پخش شده از رسانه ملی باشید، شاید یک مسئله درظاهر بی‌اهمیت نظر شما را به خود جلب کند. بازیگرانی که در اکثر این فیلم‌ها و مجموعه‌ها حضور پیدا می‌کنند تکراری‌اند و معمولاً از صافی روابط و شبکه‌های خانوادگی بیرون می‌آیند. شاید بسیاری در مواجهه با این روند، به طیف اصلی بازیگران سینمای ایران خرده بگیرند که چرا به‌جای کسانی که درس این کار را خوانده‌اند از رقضا، اقوام نسبی و سببی‌شان در آثار نمایشی بهره برده و شایسته‌سالاری را ذبح می‌کنند؟ این انتقاد وارد است، اما پیچیدگی‌های موجود در رابطه با چنین تصمیم‌هایی به آن ورود پیدا نمی‌کند. «پژمان بازغی» در گفت‌وگوی تصویری‌اش با مژده لواسانی عنوان کرد به دلیل فراهم نبودن حداقل‌های یک زندگی شرافتمندانه که برای اکثریت اهالی هنر -و نه طیف

اصلی و ویرینی سلبریتی‌ها- مهیا نیست، معترض است. دغدغه این بازیگر به‌صورت کلی قابل درک و احترام است، اما بازیغی در همین مصاحبه، حضور دختر نوجوانش در پروژه‌های متعدد سینمایی، تئاتری و سریالی را توجیه کرد و تلو یحاً گفت او چون از کودکی در کنار مادرش مستانه مهاجر در پروژه‌های سینمایی حاضر می‌شده، پس دعوت سینماگران از وی برای قبول نقش امری کاملاً عادی به‌نظر می‌رسد (نقل به مضمون). این گفته پژمان بازغی به‌عنوان «رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی بازیگران سینمای ایران» با دغدغه‌اش در مورد معیشت هنرمندان و بازیگران در تضاد قرار می‌گیرد، چون در شرایطی که سینمای ایران هنوز بدل به یک صنعت قائم به ذات نشده، روا نیست که تقسیم نقش در آن نه براساس نیازهای دراماتیک و زیبایی‌شناسانه، بلکه بر مبنای نزدیکی با بازیگران و فیلمسازان نام‌آشنا صورت بگیرد. اگر عدالت و شایسته‌سالاری در سپردن نقش تبدیل به ملاک اصلی و اساسی شود، پرواضح است که اهالی سینما کمتر برای تأمین نیازهای مالی خانواده‌شان با مشکل مواجه می‌شوند.

آیا سینمای ایران از ابتدا درگیر روابط خانوادگی بود؟

ایرادهای زیاد و متعددی می‌توان به شکل اداره سینمای ایران در دوران رژیم پهلوی گرفت و سیستم ستاره‌پروی آن را مورد اشاره و نقد قرار داد، اما نمی‌توان به‌سادگی از کنار این واقعیت گذشت که عمده تولیدات آن سینما با وجود بها دادن بسیار به جوان اول‌ها، قهرمانان و بدمن‌ها در قالب بازیگران نقش اول و دوم هیچ‌گاه بهای زیادی برای یک‌تازی بستگان سینماگران در فیلم‌ها قائل نشدند. برای‌راحت‌تر شدن کارمان کافی است به‌اسامی بازیگران سال‌های دور سینمای ایران نگاه بیندازیم. برای مثال، اقوام محمدعلی فردین به جز ورود بسه عرصه بلاگر ی در فضای مجازی هیچ‌گاه در مقام بازیگر، وارد فضای سینما نشدند یا فرزندان ناصر ملک‌مطیعی و سعیدراد

دورهمی و داستان‌های دیگر

پخش سریال‌های «از یاد رفته» و «شغال» از طریق VOD ها نام دو بازیگر را بر سر زبان‌ها انداخت. سینا مهرداد و امیرحسین فتحی در این دواثر به ایفای نقش پرداخته‌اند. کار ما در این گزارش ارزش‌گذاری بر نحوه حضور این دو فرد در دو نمونه از آثار قابل بحث شبکه نمایش خانگی نیست، اما باید این سؤال اساسی را مطرح کنیم که آیا اگر پدر سینا مهرداد، سعید سهیلی کارگردان نام‌آشنای فیلم‌های عامه‌پسند و امیرحسین فتحی، فرزند حسن فتحی به‌عنوان یکی از چهره‌های اصلی تلویزیون در دهه ۸۰ و ۹۰ تلویزیون و آثار پخش شده توسط پلتفرم‌ها نبوده، آیا تا به این حد می‌توانستند مورد توجه و استفاده قرار بگیرند؟ در این میان جایگاه تحصیلات عالیه و آکادمیک در عرصه هنر‌های نمایشی کجاست؟ در شرایطی که ورود پول‌های مشکوک، روند تولیدات سینمایی و سریالی موجود را مختل کرده، شاید کاملاً عادی جلوه کند که سینماگران ما برای فرزندان، اقوام و دوستانشان جای امنی دست‌وپا کنند اما با ادامه این روند، تالی فاسدی شکل می‌گیرد که یکی از جنبه‌های آن تبدیل شدن مدیوم تصویر به دورهمی خانوادگی است. برای نمونه کافی است به کارنامه بازیگری سینا مهرداد اشاره کنیم. مهرداد با مجموعه تلویزیونی «پدر» تبدیل به چهره شد و راه ورودش به سینما و شبکه نمایش خانگی را هموار کرد. براساس آثارهای موجود از جدول اکران سالانه فروش فیلم‌ها در سالن‌های نمایش، او برخلاف برادرش ساعد سهیلی هیچ‌وقت به عاملی برای پر فروش تر شدن فیلم‌ها بدل نشد. فیلم

سینمایی «شادروان» در چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر با بازی سینا مهرداد در نقش اول به نمایش در آمد، ولی با وجود بسیج کردن امکانات تبلیغاتی سینمای ایران باز هم نتوانست به جایگاه‌قابل قبولی در فصل اکران دست پیدا کند. شادروان از نظر کیفی تفاوتی با کمدی‌فارسی‌های بی‌مایه دوران خود نداشت، اما حتی ۱۰ میلیارد تومان هم فروش نکرد تا در میان آثار پر فروش سال ۱۴۰۱ غالباً کمدی بودند جایی برای خودنمایی نداشته باشد و در میان فهرست ۱۰ فیلم پر فروش هم اسمی از «شادروان» نیاید. ملودرام‌های به‌اصطلاح اجتماعی جایی در ریل‌گذاری فرهنگی دولت سیزدهم نداشتند ولی شادروان و سینا مهرداد توانستند از این موقعیت بهره ببرند و تبدیل به یکی از شمایل‌ها و نشانه سینمای پر مخاطب کمدی شوند. مهرداد چند سال پیش از این، یعنی در سال ۱۳۹۷ با بازی در یکی از نقش‌های اصلی فیلم سینمایی پدرش، یعنی «ژن خوک» دوره تازه‌ای از فعالیت‌های تصویری‌اش را آغاز کرد. ژن خوک برخلاف مجموعه فیلم‌های «گشت ارشاد» -که تا آن زمان دو قسمت از آن نمایش داده شده بود- عملکرد خوبی در فصل اکران در سال ۱۳۹۸ نداشت و تنها به فروشی در حدود سه میلیارد تومان بسنده کرد. اگر سینما در ایران همچون کشور‌های مدعی دارای یک تعریف مشخص صنعتی بود، این سؤال فارغ از سروصدا‌های موجود در میان روابط عمومی به‌وضوح شنیده می‌شد که چرا بازیگران اصلی و تعیین‌کننده آثار با وجود سوده نبودن همچنان در صحنه حضور دارند و به ایفای نقش

می‌پردازند؟ مگر تولید یک فیلم بیش از هر چیز نباید مقرون به صرفه باشد؟ این صرفاً رویه اقتصادی ماجراست و داستان ابعاد دیگری نیز دارد. وقتی خبر رسید که اولین فیلم سینمایی جهانگیر کوثری با سوژه پرداختن به زندگی «فروغ فرخزاد» قرار است با بازی باران کوثری در بخش ویژه چهل‌وسومین دوره فیلم فجر اکران شود، بسیاری از اهالی رسانه و منتقدان منتظر اکران فیلم بودند تا بتوانند به‌منظور سرگرم شدن و خندیدن خاطره‌ای برای تعریف کردن داشته باشند. پیش‌بینی‌ها با نمایش «رگ‌های آبی» در کاخ جشنواره محقق شد و باران کوثری با حضورش در نقش فروغ فرخزاد، سوژه بکر بازنمای زندگی شخصی و هنری این شاعر در قالب یک اثر داستانی را هدر داد، چون نه سیمای این بازیگر شباهتی به فروغ فرخزاد داشت و نه وضعیت فیزیکی‌اش می‌توانست خاطره کارگردان مستند کوتاه «خانه سیاه است» را به اذهان مخاطبره کند. متأسفانه در حال حاضر تنها فیلمی که به‌طور مشخص به پرتره فروغ فرخزاد پرداخته «رگ‌های آبی» ساخته جهانگیر کوثری است و هرکس که بعد از این بخواهد زندگی و زیست این شاعر را مورد بازخوانی مجدد قرار دهد خوانه‌ناخواه درگیر متن و حواشی مربوط به فیلم بد و ناامیدکننده خانواده کوثری می‌شود و ممکن است انرژی منفی حول محور آن اثر جدید احتمالی را نیز زیر ضرب بگیرد.

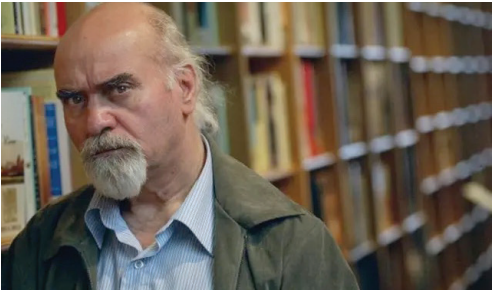
سال‌ها پیش مهراوه شریفی‌نیا با بازی در نقش «ثریا اسفندیاری» همسر دوم محمدرضا پهلوی در سریال «معمای شاه» موجی از انتقاد را نسبت

نقش اول یکی از محصولات مهم سینمای بدنه را چشید. او پس از انقلاب هم به‌کارش ادامه دادو حتی پایش به سریال «امام علی(ع)» اولین اثر بزرگ صداوسیما در رابطه با روایت زندگی ائمه هم باز شد، ولی کم‌کم به دلیل بازی‌های یکنواخت به حاشیه رفت و برای همیشه فراموش شد. چون بازار به درخواست مخاطبانش جواب مثبت داده بود و دیگر تمایلی به خالی کردن صحنه برای برادر کوچک بهروز وثوقی نداشت. او البته بدشانس هم بود، چون اگر درخشش ستاره بخت‌فرزند ارشد خانواده وثوقی در دهه ۹۰ شروع می‌شد، اکنون جایگاه چنگیز وثوقی تفاوتی با پرتیرترین بازیگران حال حاضر نمی‌کرد.

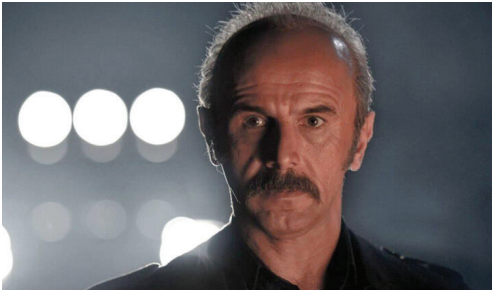
به خود، رسانه ملی و سازندگان مجموعه برانگیخت. محمدرضا ورزی به‌عنوان کارگردان کار روابط بسیار نزدیکی با پدر شریفی‌نیا داشت و همین اتفاق نیز حضور بازیگر خوب این خانواده در معمای شاه‌را توجیه می‌کرد. مهراوه شریفی‌نیا البته بازیگر شناخته‌شده‌ای است که نمی‌توان استعداد او در نزدیک‌شدن به نقش را منکر شد، اما بازی او در نقش ثریا به دلیل ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه و شباهت به همسر شاه مخلوع نبود و در این زمینه بودند بازیگرانی که می‌توانستند به‌جای او وارد این پروژه شوند. به بیان دیگر، اگر محمدرضا شریفی‌نیا نبود شاید مخاطب با بازیگر دیگری در این نقش مواجه می‌شد که هیچ نسبتی با ویژگی‌های ظاهری مهراوه شریفی‌نیا نداشت.

اوضاع به درون قاب و تصاحب نقش توسط نزدیکان سینماگران منتهی نمی‌شود. در تازه‌ترین نمونه، خبر رسیده است پولاد کیمیایی فرزند کوچک مسعود کیمیایی در تلاش برای برگزاری کلاس بازیگری با عنوان «از روایت تا نقش» است! مخاطبان جدی‌تر سینمای ایران شاید از خود بپرسند حضور پولاد کیمیایی در آثار پدرش و همچنین دیگر فیلمسازان چه سودی در پی داشته است که او اکنون با اعتمادبه‌نفسی کاذب می‌خواهد برای هنر جوان بی‌نوا کلاس هم برگزار کند؟ یا بهتر است این سؤال را بطور دیگری مطرح کنیم: از آخرین (چرا اولین نه؟) باری که نقشی از پولاد کیمیایی در خاطره جمعی مخاطبان سینما نقش بسته چندسال گذشته است که حال او می‌خواهد اصول بازیگری را به دیگران آموزش دهد؟

تجدید چاپ ترجمه رضا براهنی از «کلنوپاترا»



چاپ تازه رمان «کلنوپاترا» نوشته کارلو ماریا فرانزو با ترجمه رضا براهنی به‌زودی منتشر می‌شود. کارلو مارا فرانزو، نویسنده ایتالیایی این کتاب متولد سال ۱۸۹۲ و درگذشته به سال ۱۹۸۶ است که «کلنوپاترا» او برای اولین بار سال ۱۹۶۲ چاپ و اساس یک فیلم سینمایی اقتباسی با همین نام‌شد. فیلم مورد اشاره هم یک سال پس از چاپ کتاب با کارگردانی جوزف ال. منکیو یچ و بازی الیزابت تیلور و ریچارد برتون ساخته شد. ترجمه رضا براهنی از رمان یادشده، شصت‌وسومین عنوان از مجموعه «داستان خارجی» انتشارات امیرکبیر بود که برای اولین بار سال ۱۳۴۲ چاپ شد و چاپ دومش سال ۱۳۹۹ عرضه شد. رمان مورد اشاره در باره «کلنوپاترا» به عنوان آخرین فرعون مصر است که تلاش می‌کند از قلمرو حکومتش مقابل امپراتوری روم دفاع کند و در این راه چالش‌های زیادی دارد. کلنوپاترا زندگی پرفراز و نشیبی داشته است؛ او هم دشمن روم بود هم معشوقه سزار. این زن از نسل خاندان سلطنتی بطلمیوس بود که پس از مرگ اسکندر مقدونی حدود ۳ قرن بر مصر فرمانروایی کردند.



سیاوش اسعدی، کارگردان فیلم «غریزه» در گفت‌وگو با مهر درباره اکران محدود این فیلم برای معرفی به اسکار توضیح داد: «حدود سه هفته پیش ما موافقت شورای صنفی نمایش قرار شد «غریزه» به مدت یک هفته اکران محدود داشته باشد تا طبق اساس‌نامه آکادمی، برای معرفی به اسکار مشکلی وجود نداشته باشد اما متأسفانه دوستان وزارت ارشاد سه هفته است که جلوی اکران این فیلم را گرفته‌اند.» وی درباره دلیل جلوگیری از اکران این فیلم گفت: «فیلم «غریزه» اسفند سال گذشته پروانه نمایش دریافت کرد. حالا دوستان می‌گویند باید اصلاحات جدیدی روی این فیلم اعمال شود. دریافت پروانه نمایش از وزارت ارشاد نوعی اعتبار برای فیلم است و نمی‌توانند پس از دریافت پروانه نمایش مجدداً اصلاحاتی برای فیلم اعلام کنند.» این کارگردان سینما تصریح کرد: «این گمانه‌زنی‌ها وجود دارد که فیلم «غریزه» نیز یکی از گزینه‌های اصلی معرفی به اسکار است. من دوستان کمیته معرفی فیلم به اسکار را می‌شناسم و همه آن‌ها افراد قابل اعتمادی هستند. اگر فشاری از بیرون به آن‌ها وارد نشود، قطعاً می‌توانند بهترین تصمیم‌ها را بگیرند.»

راه‌اندازی نشده بودیم که تعطیل شویم



محمدرضا عباسیان، مدیرعامل آنت‌د در گفت‌وگو با صبا و در واکنش به شایعه تعطیلی این پلتفرم گفت: «برخلاف تعبیر غیر حرفه‌ای برخی، پلتفرم ما راه‌اندازی نشده بود که تعطیل شود. تصمیم گرفته‌ایم تا زمانی که از موفقیت پلتفرم در عرضه مطمئن نباشیم، افتتاح را به تأخیر بیندازیم.» وی با تأکید بر تولیدات این پلتفرم افزود: «درحال حاضر به‌عنوان یک مرکز موفق تولید و تأمین محتوا در حوزه نمایش خانگی فعالیت می‌کنیم و چندین سریال و گیم‌شو ازجمله «بی‌عاطفه» به کارگردانی کمال تبریزی، «زرافه» و «گیم‌شو شکارچی» را آماده عرضه داریم.» عباسیان ادامه داد: «سریال «صبح بخیر آقای رئیس» به‌کارگردانی مهدی مظلومی و بازی امیر نوروزی، غلامرضا نیکخواه، زهرا داودنژاد و سیاوش چراغی‌پور است و در سریال «بی‌برادر» به‌کارگردانی ارش معیریان، مجید صالحی، لادن مستوفی، مهدی سلطانی سروستانی، مهراوه شریفی‌نیا و حبیب رضایی به ایفای نقش می‌پردازند.» مدیرعامل آنت‌ت همچنین گفت: «در حال شروع تولید چند سریال جدید و یک فیلم سینمایی هستیم و هر زمان اطمینان یابیم حضورمان در عرصه عرضه، موثر و مستمر خواهد بود، فعالیت پلتفرم را آغاز خواهیم کرد.»